



۲۰۱۷/۳/۳۰



م، نعیم بارز

تکمله چهارم» یا ادامه بحث دوستانه!

پاسخ تکمله چهارم..

محترم آقای سدید: ببخشید که هر بار نمیتوانم از نوشته های شما نقل قول های مکمل بیاورم، اگر چنین کنم اصلاً جا برای تبصره من باقی نمی ماند، مثلاً آغاز و پایان هر پراگراف نوشته های شما تقریباً یک صفحه را در بر میگیرد. بهر حال شما می نویسید «پوهنتون القرویین قدیمی ترین پوهنتون است، در مراکش این پوهنتون را که به وسیله فاطمی ال - فیهری در سال ۸۵۹، احداث شده است، بعضاً قدیمی ترین پوهنتون جهان می نامند. . .»

جای پرسش است، در سال ۸۵۹ که شاید یک فیصد باسواد در مراکش وجود نداشته، ساختن پوهنتون به چه مفهوم بوده، آیا به غیر از مسایل دینی و شرعی کدام مسایل فلسفی، علمی، تخنیکی و ادبی را تدریس می کردند؟ زیرا در جهان اسلام همچو بحث ها مجاز نیست و از سوی دیگر برای فراگیری موضوعات علمی تا امروز محصلین کشور های اسلامی برای فرا گیری تحصیلات عالی به کشور های غربی می آیند و کشور های اسلامی آن توانایی علمی و تکنالوژی را بدست نیاورده اند که با آن بتوانند نیازمندی های تحصیلی و مسایل مهم صنعتی خود را در داخل کشور تأمین نمایند.

اگر منظور شما قدامت ساخت پوهنتون در مقایسه با اکادمی یونان و غرب باشد، من با عکس و مدرک نشان دادم که ۲۴۰۰ سال قبل از امروز اکادمی ای به نام افلاطون در یونان وجود داشت که در آنجا مسایل فلسفی و هندسه بحث و تدریس می شد. اما شما خرده گیری کرده نوشتید که عرض و طول و ارتفاع آن کم و کوچک بود. درست است در آن زمان که کل جمعیت یونان حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر بوده ممکن نبود چون یونیورستی سوربون، می بود سمبول پوهنتون سوربون پاریس، که در سال ۱۱۵۰ میلادی تأسیس شده است و بسی مضامین به لاتین تدریس می گردید، اکنون به زبان فرانسوی تدریس می شود و آن محل زیبای شهر پاریس را به نام کارتیه لتن نام می برند و در حال سوربون به سیزده شاخه در رشته های مختلف بست و انکشاف یافته است.



در مورد اینکه در آغاز تحت عنوان «دلیل این تغییر چیست؟» نوشته بودید کلیسای کاتولیک . . . «نشانی از عقل و عقلانیت نداشت»، چند بار که من نقد گونه نوشتن چطور ممکن کاتولیک ها از نوع آدم باشند ولی فاقد عقل باشند؟ بالاخره در نوشته های بعدی خود گفتید من در باره گذشته کاتولیک ها چنین گفته ام. . . از نظر من این حرف هم درست نیست چه در گذشته و چه در حال صرف نظر از نحوه رفتار و کردار کاتولیک ها، آنها از نوع آدم و دارای خصوصیات مشترک آدمی و انسانی هستند.

در اینجا یک فوتوی از ساختار مهندسی و زیبایی معماری را که در دوران اقتدار حاکمیت های فیودالی و کاتولیک ها در فرانسه به وجود آمده معرفی می کنم تا دریابید در همان دورانی که شما از جهل غربی ها و بی عقلی کاتولیک ها سخن گفته اید، ببینید که چه شاهکار از خود بر جا گذاشته اند.



Le Mont-Saint-Michel

مون سن میشل (که در فرانسوی [مونت سنت میشل] یاد می شود) جزیره ای صخره ای تحت تاثیر جزر و مد در مرز بین نورماندی و برتانیه واقع شده است. این قلعه باشکوه یکی از اولین مکان هایی بوده که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است: قلعه مذکور، صومعه ای متعلق به دوران قرون وسطی است که قرن هاست یکی از بزرگترین مقاصد تماشایی اروپا به شمار می آید. ۹۲ متر ارتفاع دارد، به داخل آن مکتب، اطاق های محافظین، آشپزخانه، سالون غذا خوری، عبادتگاه و در دور آن بازار و باغچه نیز وجود دارد و در اثر مد و جزر نزدیک به غروب تا روشنی صبح از چهار طرف در محاصره آب بحر قرار می گیرد و فقط در روز امکان رفت و برگشت در آنجا ممکن است.

خلاصه دیدن آن از نزدیک انسان را به حیرت می اندازد که آن همه سنگ های بزرگ چگونه و با چه تکنیکی به بلندی چند منزل انتقال داده شده اند.

مساحت جزیره مذکور یکصد هکتار بوده و جمعیت آن در حال حاضر پنجا نفر است. داستان تبدیل شدن یک کوه به یک کلیسا بسیار جالب است. اوبرت، اسقف شهر Avranches، در اوایل قرن هجدهم، ادعا کرد که سن میشل او را وادار به ساخت کلیسایی در بالای جزیره کرده است. از سال ۹۹۶ به بعد، دوک های نورماندی و به دنبال آن پادشاهان فرانسه، از توسعه این کلیسا حمایت کردند. باید گفت بسیار اند قصر های با شکوه در فرانسه، آلمان، انگلستان و بخصوص در ایتالیا که در زمانه های قدیم ساخته شده اند. همچنان آثار نظامی، صنعتی کلتوری از دو هزار سال بدین سو بروی زمین و در موزیم های کشور های غربی موجودند.

و در اینجا خلاف وعده، قبل از پرداختن به فلسفه بهتر خواهد بود، با استفاده از کتاب «تاریخ تحولات اجتماعی تالیف: مرتضی راوندی یک نظر کلی به تاریخ اروپا انداخته شود:

«در طی هزاران سال عصر حجر قدیم، سکنه اروپا از راه شکار و ماهی گیری زندگی می کردند، در عهد حجر جدید، کار زراعتی و اهلی کردن حیوانات آغاز شد به کار بردن مفرغ که در حدود سه هزار سال قبل از میلاد از مصر و سوریه وارد جزیره کرت شده بود، در نواحی اطراف مدیترانه رائج شد و بعد از دو هزار قبل از میلاد به برتانیه و آلمان رسید. در حدود ۱۸۰۰ قبل از میلاد وحشی های یونانی زبان، به سر زمین یونان هجوم بردند و تمدن «میسنی» را تأسیس کردند و در حدود یکهزار و چهارصد قبل از میلاد تمدن میسنی جزیره کرت را تحت الشعاع قرار دادند - ذوب آهن که حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد از ارمنستان وارد یونان شده بود، در دوره ۷۵۰ - ۵۰۰ قبل از میلاد به شمال غربی اروپا رسید.

اختراع الفبای «فونتیک» به وسیله فنیقی ها و اختراع «پول» در آسیای صغیر در حدود ۷۰۰ قبل از میلاد تأثیر عمیق در اوضاع فرهنگی و اقتصادی گذاشت. در حدود ۱۱۰۰ قبل از میلاد مهاجمین دیگری به یونان تاختند و تمدن میسنی را از بین بردند و دولت شهر ها را تأسیس کردند که سر انجام حکومت دموکراسی در آنجا استقرار یافت. در قرن ششم و چهارم قبل از میلاد فرهنگ و تمدن یونانی به معنی اخص نشأت یافت که فتوحات اسکندر مقدونی باعث اشاعه آن در مشرق زمین گردید.

در قرن سوم قبل از میلاد شهر روم در شبه جزیره ایتالیا رونق بسیار پیدا کرد و پس از جنگ های کارتاژی، سیسیل و اسپانیه جزء قلمرو دولت روم گشت و در ۱۴۶ قبل از میلاد یونان یکی از ایالات روم شد. ضمناً سلطت های اروپای مرکزی پس از دست یافتن به فرانسه، برتانیه، آیرلیند و شمال ایتالیا وارد اسپانیه شدند - رومی ها سلطت های ایتالیا و اسپانیه را در قرن اول بعد از میلاد مطیع ساختند.

فتوحات روم نه فقط وسیله نظم و بسط تجارت و اشاعه تمدن یونانی رومی شد، بلکه وسیله نشر مسیحیت نیز گردید. در ۳۲۴ بعد از میلاد دین مسیح دین رسمی امپراتوری شد ولی توسعه امپراتوری در قرن دوم بعد از میلاد متوقف گردید، و مشکلات مالی و عیوب دستگاه اداری و مهاجمات پی در پی اقوام وحشی از مرز های شمالی منجر به متلاشی شدن امپراتوری گردید»

از قرن هفتم قبل از میلاد آثار فرهنگ و هنر یونانی در بعضی از بلاد آسیای صغیر ظاهر شد و از آنجا به یونان اصلی راه یافت و مدت چند قرن یونان و بزرگترین مرکز آن آتن مجمع محققان و صاحب نظران بود.

به نقل از کتاب «تاریخ تحولات اجتماعی: تالیف مرتضی راوندی» ابقراط پدر علم طب شناخته شده و نتیجه بررسی های گذشتگان را شخصی به نام «ابقرات» مورد مطالعه قرار داد، این مرد که در سال ۴۶۰ ق، م در جزیره

«کورس» متولد شده بود و پدر علم طب خوانده می‌شود، نباید با هم نامش که ریاضی دان بوده اشتباه شود. در آغاز قرن سوم قبل از میلاد جمعی از دانشمندان ۵۹ کتاب طبی را به نام مجموعه ابقراط جمع آوری کردند، ولی ظاهراً فقط دو سه کتاب از آنها اثر فکر ابقراط شناخته شده و بقیه که اهمیت کمتری دارد شاید از پیروان او باشد.

اشاره کوتاهی در مورد شخصیت پریکلس:

این مرد که پر شکوه ترین ادوار تاریخ آتن محصول نبوغ و قوای مادی و معنوی اوست، سه سالی پس از جنگ «ماراتون» به دنیا آمد، در آغاز به تحصیل موسیقی و ادبیات علاقه داشت، بعد به مجلس درس «زنون» و آناکسا گوراس فیلسوف نامدار در آمد و علوم و معارف عصر خود را فرا گرفت. در دوران حکومت داری همه جنبه های تمدن آتن، یعنی اقتصاد، نظام، ادب و هنر و فلسفه را در هم آمیخت و مورد توجه قرار داد، وی کاملترین مرد سیاسی یونان بود - در آغاز جوانی به جبهه مردم پیوست و در دوران قدرت و نام داری به جزئیات امور سیاسی توجه می کرد، کم و مختصر سخن می گفت و آرزو می کرد که بیجا و بی موقع لب به سخن ننگشاید. نفوذ پریکلس تنها در اثر ذکاوت و هوشمندی اش نبود بلکه از درستکاری و صداقت او نیز سرچشمه می گرفت.

او از هرگونه فساد مبراء بود. آتن سی سال در تحت رهبری او از مزایای دموکراسی برخوردار بود، توجه او به فرهنگ و دانش و دیگر جنبه های زندگی اجتماعی موافقت و رضایت کامل همشهریان را فراهم نموده بود.

آرزومندیم که مردم ما نیز روزی به چنین شخصیت ملی و ترقی خواه دست یابد.

فلسفه که مادر علوم بشری شناخته شده است، انشعاب علوم از فلسفه از دوران قدیم آغاز گردید، چنانکه ارشمیدس به بحث میکانیکی و اقلیدس به رشته هندسه توجه خاص داشته اند.

هراکلیتوس (Herakleitos) از مردم شهر Eh pesos بود و اولین کسی بود که گفت همه چیز در جریان و حرکت است و در جریان حرکت هر چیز به یک چیز دیگر تبدیل میشود با مرگ یکی، زندگی دیگری آغاز میشود. در نظر او اصل جهان آتش ازلی است.

دموکرییت:

دموکرییت ۴۶۰ - ۳۶۰ ق، م پس از سیر و سیاحت و مصاحبه با متفکرین زمان، چندی به فعالیت های سیاسی مشغول شد او عقیده داشت که سیاست مهمترین و بزرگترین هنر است، تحصیل سیاست و اشتغال به فعالیت های سیاسی مفید است، زیرا به زندگی انسان عظمت و درخشندگی می بخشد. او میگفت که انسان از حکمت سه نتیجه می گیرد:

۱- باید و می تواند خوب فکر کند.

۲- باید خوب گفتگو کند.

۳- باید خوب عمل نماید.

دموکرییت نخستین کسی است که فرضیه اتوم را پیش کشیده و می گوید اشیاء مختلف از ترکیب نا محدود اتوم ها که دارای انواع و اشکال بی نهایت گوناگون هستند به وجود آمده اند.

ارزش آثار ارسطو:

ارسطو بدون استعانت از گذشتگان به نیروی تفکر خاص خود، دانش نوینی را که همان علم منطق است، بنیاد گذاشت. کتاب ارغنون ارسطو در منطق، تنها قالب اندیشه و تفکر قرون وسطی و میتود در فلسفه اسکولاستیک نبود بلکه این

شاهکار، در قرون جدید اروپای جوان را به استدلال و باریک بینی عادت داد و به محققین رشته های دانش، روش درست فکر کردن را آموخت.

نخستین تمدن های باستانی:

از تاریخی که جامعه به طبقات مختلف المنافع تقسیم شد و دولت به ظهور رسید عصر تازه در تاریخ بشر آغاز گردید و ما نمونه این قبیل کشور های برده دار را در خاور میانه یعنی در سر زمین مصر، بابل، کلد، آشور و ایران می بینیم.

قانون گذاران یونانی :

بعضی از صاحب نظران دوران قانون گذاری و تدوین نظامات اجتماعی در یونان باستان و دیگر کشور ها را بین ۹۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد می دانند. در این دوران عده ای چون «زالی بوکوس» حدود ۶۶۰ ق م و «دراکون» در آتن (۶۲۰ ق م) و «خارون داس» در سیسیل (حدود ۶۱۰) و نیز «پوشع» که قوانین موسی را در ۶۲۱ ق م در معبد اور شلیم کشف کرد، در راه تنظیم قوانین تلاش های کرده اند. . . «

ارج و اهمیت گذاشتن به قانون را میتوان از تصمیم قاطع سقراط دریافت او که در اثر اعتراضاتش نسبت به حکومت محکوم به مرگ شده بود، دوستانش خواستند او را فرار و نجات دهند، او از احترام به قانون مرگ را پذیرفت، جام شوکران را نوشید ولی از قانون فرار نکرد. آن زمان را با این زمان جامعه قانون گریز و قانون شکن افغانستان مقایسه کنید.

ذکر نکات بالا به این لحاظ ضروری دیده شد، تا دوستان محترم نیاید یک بخشی از تاریخ (عراق دوران خلفای عباسی) را (دوران مشعشع طلائی) جهان معرفی نمایند و زیر تأثیر انگیزه های دینی چون اثر سید محمد قطب جاهلیت قرن بیستم یا «جاهلیه القرن العشرین» همه جهل و فلاکت را در وجود نا مبارک عیسویت و غرب ببینند. ما باید بیشتر از هر چیز در پی روشنگری علل و آن عامل اصلی باشیم که طی قرون متمادی جهان اسلام و منجمله افغانستان را به وضع فلاکتبار فقر و جهل و تروریزم وحشت بار امروز مبتلا ساخته است.

ادامه دارد.